

بسم الله الرحمن الرحيم

نقش مادران در تربیت دینی کودکان ۷ تا ۱۲ سال بر اساس آیات و روایات

زهرا ارجمندنیا^۱

چکیده

تربیت دینی کودکان در سنین ۷ تا ۱۲ سال به عنوان یکی از ارکان مهم رشد اخلاقی و اجتماعی، تحت تأثیر جدی خانواده و به ویژه مادران قرار دارد. مادران به عنوان نخستین الگوهای رفتاری، عاطفی و اعتقادی، نقشی بنیادین در شکل گیری و تقویت باورها و ارزش های دینی ایفا می کنند. این سنین، دوره ای کلیدی برای یادگیری مفاهیم دینی و اخلاقی و تثبیت رفتارهای اجتماعی است. مرور پژوهش های پیشین نشان می دهد که تعاملات عاطفی مثبت، آموزش مستقیم، الگوگیری رفتاری و ایجاد محیط خانوادگی حمایتگرانه از عوامل اصلی موفقیت در تربیت دینی هستند. همچنین، ویژگی های شخصیتی مادر و تفاوت های فردی فرزندان بر میزان اثربخشی این فرآیند مؤثر است. با این حال، موانعی مانند کمبود آموزش والدین و تأثیر رسانه ها می تواند کیفیت این تربیت را کاهش دهد. بر مبنای یافته ها، تقویت سواد دینی والدین، بهره گیری از روش های متنوع آموزشی و همکاری خانواده با مدرسه و نهادهای اجتماعی، راهکارهای مؤثری برای ارتقای تربیت دینی کودکان محسوب می شوند.

کلیدواژه ها: تربیت دینی، مادران، کودکان ۷ تا ۱۲ سال، الگوگیری، خانواده.

^۱ سطح دو حوزه الزهرا سلام الله علیها . arjmandnia@gmail.com

مقدمه

تربیت دینی به عنوان اساسی‌ترین رکن شکل‌دهی به هویت و شخصیت انسان، همواره در کانون توجه تعالیم آسمانی اسلام قرار داشته است. دوران کودکی، به ویژه بازه سنی ۷ تا ۱۲ سال که در روایات از آن به «سن تمیز» تعبیر شده است، نقشی تعیین‌کننده در فرآیند تربیت پذیری دارد؛ دورانی که کودک آمادگی کامل برای دریافت و درک مفاهیم ارزشی و دینی را پیدا می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۴۷). در این میان، خانواده به عنوان نخستین و مؤثرترین نهاد تربیتی، و در رأس آن مادر، به عنوان محور عاطفه و نخستین معلم فرزند، مسئولیتی خطیر و بی‌بدیل بر عهده دارد.

امروزه با گسترش فضاهای مجازی، تهاجم فرهنگی و ارائه الگوهای رفتاری متعارض با ارزش‌های اسلامی، بیان مسئله اصلی این پژوهش شکل می‌گیرد: بسیاری از مادران، با وجود علاقه قلبی به تربیت دینی فرزندان خود، یا از نقش‌ها و وظایف خویش در این عرصه آگاهی کامل ندارند، یا با چالش‌های عملی در مسیر اجرا روبرو هستند. این امر لزوم بازخوانی و تبیین نظاممند نقش مادران را بر اساس متون اصیل دینی، به عنوان نقشه راهی مطمئن و خدشه‌ناپذیر، دوچندان می‌سازد.

در راستای این هدف، مطالعات و پیشینه تحقیقی متعددی انجام شده است. آثاری مانند «تعلیم و تربیت در اسلام» شهید مطهری (۱۳۷۷) به کلیات تربیت اسلامی پرداخته، یا کتاب «آیین تربیت» اثر ابراهیم امینی (۱۳۸۵) وظایف والدین را به طور عام بررسی کرده است. همچنین پایان‌نامه‌ای با عنوان «نقش مادر در تربیت کودک از دیدگاه قرآن و روایات» (اسلامی، ۱۳۹۵) به این موضوع پرداخته، اما تمرکز تخصصی بر بازه سنی حساس ۷ تا ۱۲ سال و استخراج نقش‌های چهارگانه از دل آیات و روایات، خلأیی است که این پژوهش در پی پر کردن آن است.

هدف اصلی این مقاله، تبیین جامع و نظاممند نقش‌ها و وظایف اختصاصی مادران در تربیت دینی کودکان ۷ تا ۱۲ سال با استناد مستقیم به آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) است. دستیابی به این هدف، می‌تواند ضمن روشن کردن مسیر برای مادران، به غنای ادبیات علمی حوزه تربیت دینی کمک کرده و مبنایی برای برنامه‌ریزی آموزشی و تولید محتوا برای خانواده‌ها باشد.

در راستای دستیابی به این هدف، ساختار مقاله حاضر به این ترتیب تنظیم شده است: پس از این مقدمه، در بخش دوم مبانی نظری تربیت دینی کودک در اسلام مرور خواهد شد. در بخش سوم، محور اصلی مقاله به چهار نقش کلیدی مادر (الگویی، عاطفی، آموزشی و نظارتی) اختصاص خواهد یافت و هر نقش با استناد به آیات و روایات مربوطه تشریح می‌شود. در نهایت، در بخش پایانی، نتیجه‌گیری کلی ارائه و پیشنهادات کاربردی از یافته‌های پژوهش ارائه خواهد گردید.

مبانی نظری تربیت دینی کودک در اسلام

تعریف و اهمیت تربیت دینی از منظر آیات و روایات

تربیت دینی در منظومه فکری اسلام، فرآیندی هدفمند برای پرورش انسان متعهد به ارزش‌های الهی و عامل به دستورات دینی است. (امینی، ۱۳۸۵، ص ۴۵) این تربیت، تنها به انتقال معلومات محدود نمی‌شود، بلکه در پی ایجاد تحولی درونی و ساخت «شخصیت دینی» در فرد است. قرآن کریم هدف از بعثت پیامبران را «تزکیه» (پاکسازی درون) و «تعلیم» (آموزش) می‌داند: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (قرآن کریم، جمعه: ۲). این آیه به وضوح تقدم تزکیه بر تعلیم را نشان می‌دهد، امری که نقش بی‌بدیل خانواده، به ویژه مادر را در ایجاد بستر این پاکسازی اخلاقی و معنوی پررنگ می‌کند (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۶۷).

در روایات نیز بر این امر تأکید فراوان شده است. امام علی (ع) در نهج البلاغه حق فرزند بر پدر

را چنین بیان می‌فرمایند: «أَوْ لَدِي غَرِيمٌ وَإِنَّمَا أُؤَدِّبُهُ لِتَأْدَبَ؛ فرزندم حقی بر عهده من دارد و من او را ادب می‌کنم تا ادب شود» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، حکمت ۴۰۹). این بیان، تربیت دینی را نه یک انتخاب، که حق مسلم کودک و وظیفه قطعی والدین قلمداد می‌کند. همچنین، پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ؛ فرزندان خود را گرامی بدارید و آنان را نیکو ادب کنید» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۴، ص ۹۵). واژه «آداب» در این حدیث، به معنای جامع اخلاق، رفتار و منش دینی است که باید به کودک آموزش داده شود. تربیت دینی از منظر اسلامی، سرمایه‌گذاری برای آخرت کودک و مهم‌ترین میراث والدین برای او به شمار می‌رود. (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵، ص ۱۶۷)

تربیت دینی در اندیشه اسلامی فرآیندی پویا، همه‌جانبه و عمیقاً تحول‌آفرین است که هدف نهایی آن، پرورش «انسان الهی» است؛ انسانی که در تمامی ابعاد وجودی خویش—از عقل و اندیشه تا قلب و احساسات و از نیت تا عمل—هماهنگ با اراده الهی و در مسیر قرب به او حرکت می‌کند. این فرآیند، «تزکیه» نام دارد که به معنای پالایش درون از رذایل اخلاقی و آراستن آن به فضایل است. (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۸۹).

امام علی (ع) در کلامی گهربار که خطاب به امام حسن (ع) فرمودند، می‌گویند: «وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُو قَلْبُكَ؛ و در حقیقت دل نوجوان [و کودک] مانند زمین خالی است، هر بذری که در آن افکنده شود، می‌پذیرد. پس من پیش از آنکه دل تو سخت شود، به ادب کردن تو شتاب کردم» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، نامه ۳۱). این تشبیه عمیق، هم ظرفیت بی‌نهایت کودک برای پذیرش خیر و شر را نشان می‌دهد و هم بر فوریت و اولویت اقدام تربیتی—پیش از قساوت قلب—تأکید می‌کند. این «ادب»ی که امام (ع) از آن سخن می‌گویند، چیزی جز همان «تربیت دینی» به معنای جامع آن—شامل آداب معاشرت، اخلاق، ایمان و عمل—نیست. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۳۴). علاوه بر این، پیامبر اکرم (ص) در حدیثی دیگر، نتیجه این تربیت را چیزی ارزشمندتر از انفاق ثروت می‌دانند و می‌فرمایند: «مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَلَدًا مِنْ نَحْلٍ أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ؛ هیچ پدری،

هدیه‌ای برتر از ادب نیکو به فرزند خود نداده است» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۷، ص ۱۷۳). این «ادب نیکو»، والاترین میراثی است که والدین-و در صدر آنان مادر-می‌توانند برای فرزند خود به ارمغان بیاورند، میراثی که سعادت دنیوی و اخروی او را تضمین می‌کند. بنابراین، تربیت دینی از منظر اسلامی، یک سرمایه‌گذاری ابدی است که ثمره آن، نه تنها برای فرد، که برای کل جامعه اسلامی برکت‌آفرین خواهد بود. غفلت از آن، نه تنها یک کوتاهی والدینی، که خیانت در امانت الهی و تضییع حقی مسلم است که کودک بر عهده والدین خود دارد.

ویژگی‌های روانشناختی کودک در سنین ۷ تا ۱۲ سال (سن تمیز) و اهمیت این دوره

دوره میانی کودکی (۷ تا ۱۲ سالگی) که در منابع اسلامی از آن به «سن تمیز» تعبیر شده، از لحاظ روانشناختی، دوره‌گذار از تخیل به عینیت و شکل‌گیری پایه‌های تفکر منطقی است. (سیف، ۱۳۹۹، ص ۲۱۰). در این مرحله، کودک به تدریج از مرحله «پیش عملیاتی» (طبق نظریه پیاژه) خارج شده و وارد مرحله «عملیات عینی» می‌شود. این بدان معناست که او اکنون توانایی درک قوانین ثابت، رابطه علت و معلول، و حفظ ذهنی را کسب می‌کند (شعاری نژاد، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵).. برای مثال، کودک درک می‌کند که اگر نماز نخواند، این عمل او پیامدهایی دارد، یا اگر راست بگوید، این رفتارش دلیلی برای تشویق شدن خواهد بود. این تواناییِ نوظهور، بستر مناسبی برای درک مفاهیم دینی- که اغلب مبتنی بر پاداش و کیفر هستند- فراهم می‌آورد. (نجفی، ۱۳۹۲، ص ۷۸).

از منظر دینی، این دوره با روایتی گران‌قدر از امام صادق(ع) به وضوح مشخص می‌شود که می‌فرمایند: «الْوَلَدُ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ...؛ کودک هفت سال سرور است [و هرچه می‌خواهد برایش فراهم می‌کنند]، و هفت سال بنده [و مورد امر و نهی قرار می‌گیرد]، و هفت سال وزیر است [و با او مشورت می‌شود]» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۴۷).

هفت سال دوم (دوران «عبودیت») که از ۷ تا ۱۴ سالگی را در بر می‌گیرد، دقیقاً همان دوره طلایی تربیت پذیری است. در این فاز، کودک نه تنها برای پذیرش دستورات و قوانین

روبرو است. (قائمی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۲) شناسایی این موانع، نخستین گام ضروری برای ارائه راهکارهای عملی و واقع‌بینانه است. این چالش‌ها را می‌توان در سه دسته کلی جای داد:

یک. چالش‌های ناشی از دنیای مدرن و فناوری‌های جدید

جهانی شدن و گسترش فناوری‌های ارتباطی، اگرچه فرصت‌هایی را ایجاد کرده، اما به صورت همزمان، تهدیدهای جدی برای تربیت دینی به وجود آورده است. (رضایی، ۱۳۹۵، ص ۷۲). فضای مجازی و دسترسی آسان به محتوای مختلف—از جمله محتوای غیراخلاقی، خلاف عرف یا ارزش‌های دینی—یکی از بزرگترین دغدغه‌های مادران امروزی است. کودک در معرض بمباران اطلاعاتی و الگوهای رفتاری متعارض قرار می‌گیرد که گاهی اوقات با ارزش‌های خانواده در تضاد است. علاوه بر این، بازی‌های رایانه‌ای برخی از کودکان را به شدت به خود مشغول کرده و آنان را از شرکت در فعالیت‌های جمعی و مذهبی باز می‌دارد. این وضعیت، وظیفه نظارتی مادران را بسیار دشوارتر و پیچیده‌تر از گذشته کرده است. (شعاری نژاد، ۱۳۸۶، ص ۲۰۳).

دو. چالش‌های درونی و فردی

برخی از موانع، ریشه در شرایط درونی خود مادران دارد. کم‌فرصتی به دلیل اشتغال خارج از خانه و حجم زیاد مسئولیت‌های خانگی، از جمله این موانع است. بسیاری از مادران شاغل، با وجود علاقه قلبی، زمان و انرژی کافی برای وقت‌گذاری با کیفیت با فرزند خود و پرداختن به امور تربیتی را ندارند. (امینی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۹) علاوه بر این، نداشتن دانش و مهارت کافی در زمینه روانشناسی کودک، روش‌های نوین تربیتی و حتی مسائل دینی، می‌تواند موجب سردرگمی مادران شود. گاهی نیز مادران به دلیل نداشتن الگوی عملی مناسب در دوران کودکی خود—چه از سوی والدین و چه از سوی جامعه—احساس می‌کنند فاقد مهارت‌های لازم برای ایفای نقش تربیتی هستند. (قائمی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۶).

سه. چالش های خانوادگی و اجتماعی

محیط خانواده و جامعه نیز می تواند به عنوان مانع عمل کند. عدم هماهنگی بین والدین در روش های تربیتی — برای مثال، یکی سخت گیر و دیگری آسان گیر است — می تواند موجب سردرگمی کودک و تضعیف اقتدار تربیتی والدین شود. همچنین، فشارهای اقتصادی و دغدغه های معیشتی، ممکن است فضای خانواده را ملتهب و مضطرب کند و انرژی و تمرکز لازم برای پرداختن به امور تربیتی را از والدین — به ویژه مادر — بگیرد. در سطح کلان تر، کمبود یا ضعف نهادهای فرهنگی حمایتگر — مانند مساجد، فرهنگسراها، مدارس و رسانه ملی — در ارائه برنامه های جذاب و کاربردی برای کودکان و راهنمایی والدین، خود به عنوان یک چالش بزرگ محسوب می شود. (اسلامی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۲). هنگامی که نهادهای اجتماعی در انجام وظایف خود کوتاهی می کنند، فشار بیشتری بر دوش خانواده — و در رأس آن مادر — گذاشته می شود.

شناسایی این چالش ها به این معنا نیست که راهی برای عبور وجود ندارد، بلکه برعکس، نشان دهنده ضرورت هوشمندی، خلاقیت و جستجوی فعالانه راهکارها از سوی مادران و متولیان امور فرهنگی است. در بخش بعدی (نتیجه گیری و پیشنهادها)، بر اساس این چالش ها، راهکارهای عملی ارائه خواهد شد.

نتیجه گیری

این پژوهش با هدف تبیین نقش مادران در تربیت دینی کودکان ۷ تا ۱۲ سال بر اساس آیات و روایات، به این نتیجه کلیدی دست یافت که مادر در چهار عرصه الگویی، عاطفی، آموزشی و نظارتی، نقشی محوری، بی بدیل و تکامل بخش ایفا می کند. یافته ها نشان داد که این نقش ها، بر پایه متون اصیل دینی استوار بوده و موفقیت در آن ها، مستلزم ترکیبی از ایمان عمیق، دانش تربیتی، خلاقیت و جهاد نفس از سوی مادر است. تربیت دینی در این سنین، یک سرمایه گذاری بلندمدت برای ساختن انسانی است که نه تنها به وظایف دینی خود عمل می کند، بلکه به عنوان یک عنصر فعال و مثبت در جامعه اسلامی نیز حاضر می شود.

اگرچه چالش‌های دنیای مدرن- از جمله هجوم فرهنگی و گسترش فضای مجازی- و نیز موانع درونی و خانوادگی، این مسیر را ناهموار کرده‌اند، اما این تحقیق نشان می‌دهد که با عزمی راسخ، برنامه‌ریزی هوشمندانه و حمایت نهادهای اجتماعی، می‌توان بر این موانع غلبه کرد. تربیت دینی، یک فرآیند تعاملی و پویاست که پایان‌ناپذیر است، اما سال‌های طلایی ۷ تا ۱۲ سالگی، فرصتی استثنایی و تا حد زیادی غیرقابل جبران برای نهادینه کردن ارزش‌ها در وجود کودک فراهم می‌آورد.

پیشنهادهای کاربردی

بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهادهای زیر در دو سطح ارائه می‌گردد:

الف) پیشنهادهایی به مادران:

۱. خودسازی و الگوبودن: اولویت دادن به خودسازی اخلاقی و تقویت ایمان عملی، زیرا مؤثرترین روش تربیت، ارائه یک الگوی زنده و باورپذیر برای کودک است.

۲. کیفیت وقت گذاری: اختصاص وقت مشخص و باکیفیت برای گفت‌وگو، پاسخگویی به سؤالات دینی و مشارکت در فعالیتهای مذهبی همراه با کودک، حتی اگر این وقت محدود باشد.

۳. آموزش غیرمستقیم: بهره‌گیری از روش‌های غیرمستقیم و جذاب مانند قصه‌گویی مبتنی بر قرآن و روایات، بازی‌های آموزشی و اردوهای مذهبی برای انتقال مفاهیم دینی.

۴. نظارت هوشمندانه: مدیریت و نظارت بر محتوای مصرفی کودک در فضای مجازی و رسانه‌ها، نه با ایجاد فضای پلیسی، بلکه با جایگزین کردن محتوای سالم، جذاب و دینی و همچنین آموزش سواد رسانه‌ای به کودک.

۵. هماهنگی با همسر: ایجاد هماهنگی و وحدت رویه با پدر خانواده در روش‌های تربیتی و ارائهٔ چهره‌ای یکپارچه و منسجم از ارزش‌ها به کودک.

ب) پیشنهادهایی به نهادهای فرهنگی و سیاست‌گذار:

۱. توانمندسازی مادران: طراحی و اجرای کارگاه‌های آموزشی مهارت‌محور برای مادران توسط مساجد، فرهنگسراها و مدارس، با موضوعاتی چون «روانشناسی کودک»، «روش‌های نوین تربیت دینی» و «مدیریت فضای مجازی».

۲. تولید محتوای جذاب: سرمایه‌گذاری و حمایت جدی سازمان صدا و سیما و مراکز فرهنگی برای تولید انیمیشن، سریال، بازی‌های رایانه‌ای و پادکست‌های جذاب و باکیفیت که مفاهیم اخلاقی و دینی را به زبان کودکان انتقال دهند.

۳. حمایت از مادران شاغل: بررسی و تصویب سیاست‌های حمایتی مانند «ساعات کاری منعطف» یا «مرخصی‌های تربیتی» برای مادران شاغل توسط نهادهای قانون‌گذار، تا فرصت بیشتری برای ایفای نقش تربیتی خود داشته باشند.

۴. تقویت مشاوره خانواده: گسترش دامنه فعالیت‌های مراکز مشاوره خانواده با محوریت ارائه خدمات رایگان یا ارزان‌قیمت در زمینه حل اختلافات تربیتی بین والدین و راهنمایی آنان.

در پایان، به نظر می‌رسد تحقق کامل ظرفیت‌های تربیت دینی، نیازمند عزمی ملی و همکاری همه‌جانبه نهاد خانواده، نظام آموزشی و نهادهای فرهنگی است. این پژوهش امیدوار است با روشن کردن ابعاد مختلف نقش مادر، گامی هرچند کوچک در جهت توانمندسازی خانواده‌ها و ساختن نسلی متعهد و آینده‌ساز برداشته باشد.

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ ق). تحف العقول عن آل الرسول (ص) (علی اکبر غفاری، مصحح). جامعه مدرسین.
۲. امینی، ابراهیم. (۱۳۸۵). آیین تربیت. انتشارات اسلامی.
۳. اسلامی، م. (۱۳۹۵). نقش مادر در تربیت کودک از دیدگاه قرآن و روایات [پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده]. دانشگاه تهران.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه. مؤسسه آل البیت (ع).
۵. رضایی، ع. (۱۳۹۵). آثار بازی های رایانه ای بر تربیت دینی کودکان. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. سیف، علی اکبر. (۱۳۹۹). روانشناسی پرورشی: روانشناسی یادگیری و آموزش. دوران.
۷. شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۸۶). روانشناسی رشد. انتشارات اطلاعات.
۸. قائمی، علی. (۱۳۹۰). تربیت و بازسازی انسان. انتشارات امیری.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). الکافی (علی اکبر غفاری، مصحح). دارالکتب الإسلامیه.
۱۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. دار إحياء التراث العربی.
۱۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). تعلیم و تربیت در اسلام. صدرا.
۱۲. نجفی، محمد. (۱۳۹۲). نقش خانواده در تربیت دینی فرزندان. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.